

بعد از اسلام

دهه فجر، افتخاری برای تاریخ

شاید یکی از تصویرهایی که برای مانسل سومی‌ها حسابی نوستالژی دارد تصویر امام است وقتی از پله‌های هواپیمای پایین می‌آمدند و این شعر از تلویزیون پخش می‌شد که بوی گل سوسن و یاسمن آید... البته دهه فجر برای ما فقط همین تصویر نیست، جشن‌های توی مدرسه هم هست، چراغانی‌ها، کاغذکشی‌هایی که از این سر کلاس به آن سر کلاس وصل می‌کردیم و نمایش‌ها و سرودهایی که برای این روزها آماده می‌کردیم. دهه فجر برای ما نسل سومی‌ها همیشه روزهای خوبی بوده است و خاطرات خوبی داشته است.

خیلی از ما در جریان شکل‌گیری انقلاب نبودیم، خیلی از ما فقط از زبان بزرگترها شنیدیم که در آن روزهای خون، روزهای آتش چه اتفاقاتی برای مردم می‌افتاد و آنها با چه ظلم بزرگی دست و پنجه نرم می‌کردند. اما با این همه در شادی بعد از پیروزی انقلاب سهیم بودیم. انگار که بخشی از ما باشد. واقعا هم ما ادامه همان نسلیم. نسلی که انقلاب کرد و ریشه ظلم را سوزاند. انگار آن روزها و تجربیاتش یک جورهایی در ناخودآگاه ما تاثیر گذاشته است. به خاطر همین است که شاید هنوز هم وقتی اسم دهه فجر می‌آید و تصاویر مربوط به انقلاب را در تلویزیون می‌بینیم یک چیزی در درون مان جانمی‌گیرد. دل‌مان یک جوری می‌شود. احساس افتخار می‌کنیم، نوعی احساس پیروزی، احساس بودن در سرزمینی که مردمش هرگز ظلم را تاب نیاورده‌اند. احساس پیروزی بر طاغوتی که فکر می‌کرد هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند او را از تختش پایین بکشد. شاه مردم را دست کم گرفت، نادیده گرفت و فکر کرد می‌تواند ندای حق طلبی آنها را خاموش کند، ولی چنین نشد. مردم در راه مبارزه خود به کسی اقتدا کردند که خود به حسین^(ع) اقتدا کرده بود و این رمز پیروزی او و ما بر شاه شد. هنوز هم شاید یکی دیگر از تصاویری که هرگز از ذهن مان پاک نمی‌شود، تصویر فرار کردن شاه از ایران است؛ با آن نگاه اشک‌بار و پشیمان کسی که خیلی دیر صدای انقلاب مردم را شنید. اما از قدیم گفته‌اند پشیمانی را چاره‌ای نیست. او تاوان ظلم خودش را داد، تاوان ستم بر مردمی که دادگارشان کرده بود.

دهه فجر برای خیلی از ما فقط یک اسم نیست فقط یک نشانه نیست، بخشی از هویت ماست؛ بخشی از بودن مان. دهه فجر برای ما چیزی فراتر از یک واقعه تاریخی است. روزهایی که خیابان‌ها را برای مان جور دیگری معنا می‌کند، آدم‌ها را به شکلی دیگر به ما نشان می‌دهد و باعث می‌شود تصویر روشن‌تری از مردم سرزمین مان داشته باشیم. مردمی که باید به آنها افتخار کرد و از زندگی در کنارشان خوشحال بود. مردمی که نمونه‌اند. مردمی که انگار قرار است دیگر در هیچ کجای تاریخ تکرار نشوند با این حماسه‌هایی که ساختند. با این عظمتی که در نگاه و وجودشان ریشه دوانده است.

آرشیو کامل ضمیمه

به صورت نسخه‌های PDF به قیمت ۶۰۰۰ ریال قابل عرضه روی لوح فشرده می‌باشد. از علاقه‌مندان دعوت می‌شود برای دریافت لوح مزبور با واحد آرشیو و کتابخانه روزنامه جام‌جم تماس حاصل فرمایند.

چهره خبرساز هفته



تکذیب می‌کنم پس هستم

اصلا این خبر را چاپ نکرده بودند! ارسال کرد. او مرد تکذیبیه‌های بلند بالاست. به قول دوست طنزنازی حمید بقایی قبل از این که سخنرانی کند ابتدا تکذیبیه سخنانش را برای رسانه‌ها می‌فرستد و بعد سخنرانی می‌کند!

حمید بقایی در رادیو تهران مسوول سایت بود و در سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران بعد از رفتن از رادیو رئیس دفتر مشایی شد. اگرچه با کوچ مشایی به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری او نیز یکشنبه پله‌های ترقی را پیمود و حکم قائم مقامی و بعد ریاست را از آن خود کرد.

او با مدرک «آی تی» به عنوان رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و معاون رئیس‌جمهور معرفی شد، درحالی که بیشتر علاقه‌مند به میراث فرهنگی بود. پیش از این تصور می‌کردند ریاست سازمان میراث فرهنگی به شخصی واگذار شود که رشته تخصصی‌اش ارتباط بیشتری با تخصص‌های مورد نیاز این سازمان داشته باشد. اما برای او این هم مهم نبود چرا که با انتخاب مشاورانی در پیرامون خود قصد داشت این مشکل را به نوعی برطرف کند. از سازمان میراث فرهنگی و گردشگری این سال‌ها چهره‌های خبرساز بیرون آمده است.

در خبرسازی بشکند. از کمک ۱۲۰ میلیون تومانی سازمان تحت امرش به هدیه تهرانی هنرپیشه سرشناس سینمای ایران برای برپایی نمایشگاهش گرفته تا حواشی و تهدیدهای او برای منشور کوروش و جاسوس خواندن مارکوپولو و شایعاتی نظیر دست دادن با مقامی از رژیم صهیونیستی البته به صورت سهوی که او به سرعت این شایعه را رد کرد و تکذیبیه‌های معروفش را برای تمام رسانه‌ها (اعم از آنهایی که

میثم اسماعیلی؛ چهره خبرساز این هفته حمید بقایی است نه به دلیل اتفاق خاصی که در هفته گذشته برای او و حوزه مرتبط با او افتاد، بلکه عنوان چهره خبرساز به رئیس سازمان میراث فرهنگی تعلق می‌گیرد به واسطه تمام خبرسازی‌هایش در طول مدتی که به عنوان ریاست سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مشغول به کار بوده است. حمید بقایی شاید تنها کسی باشد که بتواند رکورد رئیس سابق خود را

جادوگر سینما

علی محزون: تیم برتون به عنوان رئیس هیات داوران کن امسال انتخاب شد. انگار هیات برگزارکنندگان جشنواره معتبر کن هم تحت تاثیر فیلم‌های تخیلی امسال قرار گرفته‌اند تا یکی از نام‌آوران این ژانر یا گونه سینمایی را به عنوان رئیس هیات داوران این جشنواره انتخاب کنند. بعد از موفقیت فیلم ۲۰۱۲ روی پرده سینماها و البته موفقیت فیلم متفاوت «آواتار» نزد منتقدان سینمایی این انتظار هم می‌رفت که جشنواره‌ای مثل کن، که به جشنواره خواص معروف است دل به دنیای جادویی هالیوود بسپارد. تیم برتون جادوگر سینماست. جادوگری که علاقه زیادی به دنیای فانتزی و تخیلی و رنگارنگی دارد که بدون شک نمونه‌اش را نمی‌توان در دنیای واقعی داشت. حتی این علاقه برتون به دنیای فانتزی و کودکانه‌اش در ظاهر و سیمای او هم معلوم است. موهایی آشفته که گاهی به یاد فیلم «هریچ حمله می‌کند» خودش آنها را با آبی رنگ می‌کند! علاقه زیادش به استفاده از رنگ‌های جورواجور در نوع پوشش خود که از او چهره‌ای ساخته است که خارج از دنیای سینما هم می‌تواند مدل خوبی برای طراحان لباس باشد! حتی با نگاهی به زندگی او می‌توان به انگیزه او به ساخت آثار نامتعارفش پی برد. تیم برتون دوران کودکی خودش را ساکت و آرام بود، آرامشی که خودش از آن با «تنبهایی و گوشه‌گیری» یاد می‌کند. در تمام دوران کودکی مدرسه رفتن برایش سخت بود و همیشه با تماشای آثار ترسناک و کم هزینه از حقیقت زندگی فرار می‌کرد. جالب این که نخستین فیلمی که کار روی آن را آغاز کرد اقتباسی از ارباب حلقه‌ها بود، فیلمی که هیچ وقت از سوی او آغاز نشد. اما با وجود گمنامی او در بین همگان، پروژه‌های برتون نظر صنعت سینما را به خود جلب کرد. هر چند اولین



فیلم او فیلم متوسطی به نام «ماجراجوی بزرگ پی وی» بود اما چند سال بعد با فیلم «پرنسز» توانست چنان شهرتی به دست بیاورد که تا پایان دوران فیلمسازی‌اش (که البته هنوز نرسیده است!) از آن شهرت استفاده کند. حالا علاقه‌مندان به او بی‌صبرانه انتظار آغاز جشنواره معتبر کن را می‌کشند تا او را با ظاهری متفاوت روی فرش قرمز جشنواره ببینند.

چهره خبرساز هفته

عکس: davyle

محمد مایلی کهن



ترسید! دلیل این که مربی تیم سایپا چهره این هفته شده نه افشاگری تازه‌ای از اوست، نه متلک‌های

پرمایه‌اش به علی دایی، نه نامه‌ای پرسوز و گداز به قطبی و نه بیانی‌ای برای امیر قلعه‌نویی. در باور کسی نمی‌گنجید که عابدینی و مایلی کهن روزی با هم آشتی کنند و البته یکدیگر را در آغوش بگیرند. در یادمان صدسالگی فوتبال ایران در هفته گذشته، بازار آشتی و روبوسی هم داغ بود. شاید کسی فکر نمی‌کرد پس از مصاحبه‌های آتشین امیر عابدینی و محمد مایلی کهن علیه یکدیگر این دوروی سن بیابند و همدیگر را سفت و سخت در آغوش بگیرند.

مهران مدیری



او هنوز در عرصه طنز در جعبه جادو یکه‌تاز است. حتی کارهای معمولی او هم از استقبال زیادی از سوی

تماشاگران روبه‌رو می‌شود. هفته گذشته او در سومین شب از مراسم جشن فجر و برترین‌های شبکه جام‌جم جایزه برترین بازیگر مرد مجموعه‌های طنز این شبکه از نگاه مخاطبان را به خود اختصاص داد. او این روزها هم حسابی سرش شلوغ است، در حال حاضر سریالی را برای پخش آماده می‌کند که قرار است در ایام نوروز به روی آنتن برود، ضمن این که قرار است در پایان بهمن او به همراه حامد بهداد آلبوم موسیقی مشترک خود را به بازار عرضه کنند.

ابراهیم حاتمی کیا



به رنگ ارغوان او آنقدر منتقدان سینمای ایران را در جشنواره امسال شگفت‌زده کرده است که انتظار

می‌رود در چند هفته‌ای که بعد از جشنواره این فیلم روی پرده می‌رود از استقبال خوبی از سوی تماشاگران برخوردار شود. خیلی‌ها که فیلم را دیده‌اند از حاتمی کیایی صحبت می‌کنند که به روزهای «آژانس شیشه‌ای» بازگشته است.

حاتمی کیا با فیلم «دعوت» خیلی از علاقه‌مندان را ناامید کرده بود. اما به رنگ ارغوان حاتمی کیایی سال‌های درخشان فیلمسازی‌اش است.

چهره‌های از قلم افتاده